روزنامه صبا
رسانه فرهنگ و هنر
www.sabanewspaper.ir
sabanewspaper_ir

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
صفحه‌آرا: مهدی صالحی طاهری

تهران / میدان دربند / خیابان دربند / کوچه تویسرکانی / پلاک ۶۱
تلفن: ۲-۲۲۷۲۴۱۱۱
چاپ: شهر چاپ خراسان / توزیع: نشر گستر امروز



عباس سجادی در گفت‌وگو با صبا از میراث زنده‌یاد رضا امیرخانی گفت:

سلوک و منش رضا امیرخانی الگویی برای نسل جوان است

فرزانه سعادتی
گفت‌وگو

در پی درگذشت رضا امیرخانی، نویسنده شناخته‌شده ادبیات معاصر ایران، بررسی ابعاد شخصیتی و میراث ادبی او فرصتی برای بازخوانی جایگاه این نویسنده در ادبیات داستانی کشور فراهم کرده است. امیرخانی در طول فعالیت ادبی خود، با انتشار آثاری در حوزه داستان، جستار، سفرنامه و نقد اجتماعی، طیف متنوعی از مخاطبان را با نوشته‌هایش همراه کرد.

عباس سجادی، مدیرعامل خانه شاهنامه، شاعر و منتقد ادبی که حدود دو دهه با رضا امیرخانی آشنایی و رفاقت داشته است، در گفت‌وگو با صبا، از ویژگی‌های شخصیتی و ادبی این نویسنده سخن گفت و معتقد است آنچه امیرخانی را از بسیاری از نویسندگان متمایز می‌کرد، تنها آثارش نبود، بلکه منش و سلوک فردی او نیز در این تمایز نقش داشت.

○درگذشت رضا امیرخانی ضایعه‌ای برای جامعه ادبی ایران است. از نگاه شما مهم‌ترین ویژگی شخصیتی و ادبی او چه بود و چگونه می‌توان با میراث او پس از درگذشتش ارتباط برقرار کرد؟

به نظر من، رضا امیرخانی بسیار بزرگ‌تر از آثارش بود. این حرف به معنای نادیده گرفتن ارزش و اهمیت آثار او نیست؛ چراکه امیرخانی آثار بزرگ و قابل‌توجهی خلق کرد، اما شخصیت، سلوک و اخلاق او ابعادی فراتر از نوشته‌هایش داشت.

او به نوعی از شهرت گریزان بود و با وجود جایگاه و اعتباری که در ادبیات به دست آورده بود، انسانی افتاده، فروتن و بی‌ادعا باقی ماند. اتفاقاً به اعتقاد من، این بزرگی در خلوت‌گزینی و دوری او از هیاهوی شهرت بیشتر خودش را نشان می‌داد.

رضا امیرخانی می‌تواند هم از نظر قلم و هم از نظر رفتار و منش شخصی، الگویی برای جوانان و اهالی قلم باشد. معتقدم نسل جوان می‌تواند علاوه بر مطالعه آثار او، از شخصیت و سلوکش نیز درس بگیرد و مسیر حرفه‌ای و ادبی خود را با توجه به این ویژگی‌ها پیش ببرد.

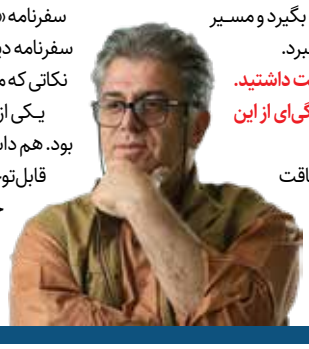

○شما حدود دو دهه با رضا امیرخانی آشنایی و رفاقت داشتید. این آشنایی از کجا شکل گرفت و چه خاطره یا ویژگی‌ای از این ارتباط در ذهن شما باقی مانده است؟

من تقریباً دو دهه با رضا امیرخانی آشنایی و رفاقت داشتم. به‌واسطه فعالیت‌های ادبی و حضورم در فضای نقد و نویسندگی، از زمانی که او با انجمن قلم همکاری می‌کرد، با آثارش آشنا بودم. نوشته‌های متنوعی در قالب داستان، سفرنامه و مقالات تحلیلی و اجتماعی داشت و همین تنوع آثار، توجه مرا به قلم او جلب کرده بود.

آشنایی ما در کانون‌ها و نشست‌های ادبی شکل گرفت و در این جلسات یکدیگر را می‌دیدیم. به‌تدریج میان ما رفاقت و مودتی شکل گرفت که ریشه آن را باید در حس عاطفی و انسانی بالای رضا امیرخانی جست‌وجو کرد. او از نظر روابط انسانی نیز شخصیت برجسته‌ای داشت و همین ویژگی، دوستی با او را ارزشمند می‌کرد.

○به نظر شما کدام‌یک از آثار رضا امیرخانی نقش پررنگ‌تری در شناساندن او به مخاطبان عام داشت و چه ویژگی‌هایی باعث شد آثارش با استقبال مردم مواجه شود؟

امیرخانی آثار بسیار خوبی داشت و نمی‌توان تنها یک اثر را عامل شناخته‌شدن او دانست. برای مثال، رمان «ارمیا» و «منِ او» از جمله آثار مهم او هستند. همچنین جستار «نفحات نفت» که در آن به موضوع فرهنگ نفتی و مدیریت دولتی پرداخته، از نوشته‌های قابل‌توجه اوست.

سفرنامه «جانستان کابلستان» نیز حاوی نکات و تأملات بسیاری است. او سفرنامه دیگری هم درباره کره شمالی داشت که آن هم از نظر محتوایی و نکاتی که مطرح می‌کرد، ذهن مخاطب را درگیر می‌ساخت.

یکی از ویژگی‌های مهم امیرخانی چندوجهی بودن او در نویسندگی بود. هم داستان می‌نوشت، هم داستانک و جستار و هم سفرنامه‌های قابل‌توجهی خلق می‌کرد. این تنوع نشان می‌داد که با ذهنی پویا و جست‌وجوگر روبه‌رو هستیم.

آثاری مانند «منِ او» و «بیوتن» از جمله رمان‌های خوب او هستند که هرکدام ظرفیت‌های ادبی و روایی قابل‌توجهی دارند. به نظرم همین تنوع در تجربه‌های نوشتاری و توانایی ارتباط با موضوعات مختلف، یکی از دلایل ارتباط آثار او با طیف گسترده‌ای از مخاطبان بود.

○رضا امیرخانی از سال‌های جوانی به پرواز و هوانوردی علاقه داشت و در نهایت نیز در پی سانحه پاراگلایدر با عوارض ناشی از آن روبه‌رو شد. آیا از علاقه او به این حوزه و فعالیت‌هایش در زمینه پرواز اطلاع داشتید؟

بله، او از دهه ۷۰ گواهینامه خلبانی دریافت کرده بود و به‌عنوان یکی از جوان‌ترین خلبانان ایرانی شناخته می‌شد. او حتی روی پروژه‌ای مربوط به ساخت هواپیمای دو نفره آموزشی نیز کار می‌کرد و در حوزه فعالیت‌های صنفی مرتبط با هوانوردی هم حضور داشت. در مقطعی نیز در هیأت‌مدیره یک مؤسسه خصوصی فعال در زمینه هواپیماسازی فعالیت می‌کرد. در واقع، روحیه او به‌طور کلی روحیه‌ای پروازی و آسمانی بود؛ چه در آثارش، چه در سلوک شخصی و چه در فعالیت‌های فیزیکی و پروازی‌اش. او انسانی جست‌وجوگر و بلندپرواز بود و همواره میل به کشف و تجربه در وجودش دیده می‌شد.

به اعتقاد من، رضا امیرخانی در اوج همین روحیه پرواز و جست‌وجوگری، به سمت آسمان‌ها رفت و امروز می‌توان از او به‌عنوان ستاره‌ای پرفروغ در آسمان اهل قلم یاد کرد.

○بسیاری از مخاطبان، رضا امیرخانی را در دسته نویسندگان مذهبی قرار می‌دهند؛ در حالی که در آثار او وجوه انتقادی و اجتماعی نیز دیده می‌شود. شما این دسته‌بندی را تا چه اندازه دقیق می‌دانید؟

ببینید، به قول حافظ «هر کسی از ظن خود شد یار من». به نظرم یکی از ویژگی‌های خوب رضا امیرخانی و آثارش همین است که مخاطبان از منظرهای مختلف می‌توانند با نوشته‌های او ارتباط برقرار کنند و بخشی از دغدغه‌ها و آرمان‌های خود را در آثارش ببینند.

رضا نویسنده‌ای مذهبی بود، اما در عین حال نویسنده‌ای انتقادی و اجتماعی نیز به شمار می‌رفت. او در حوزه‌های مختلف قلم می‌زد و نمی‌توان آثارش را به یک چارچوب محدود کرد.

البته امیرخانی انسانی معتقد و مذهبی بود و اعتقادات محکمی هم داشت، اما اینکه صرفاً او را نویسنده‌ای مذهبی بدانیم، به نظرم نوعی جفا در حق او و محدود کردن ابعاد مختلف شخصیت و اندیشه‌اش است و بهتر است بگوییم امیرخانی انسان معتقدی بود و اعتقاد چیزی فراتر از مذهبی بودن است. باید آثار او را از زوایای گوناگون بررسی کرد تا بتوان به درک جامع‌تری از جهان فکری و ادبی او رسید.

